
اصول تربیت عبادی با تأکید بر قرآن و روایات^۱

محمد داودی^۳

سید حمید جزایری^۴

کنیزبانو^۵

چکیده

خداوند، انسان را جز برای عبادت خلق نکرده است. تربیت عبادی به توسعه رابطه صحیح بین انسان و خدا و رسیدن به هدف خلقت می‌انجامد. تربیت عبادی دارای مبانی، اهداف و اصول و روش‌هایی است که بیانگر مقصد تربیت عبادی و چگونگی رسیدن به این مقصد است. به‌رغم کوشش‌های صورت‌گرفته، هنوز زوایای قرآنی و روایی تربیت عبادی از منظر اصول تربیتی منقح نشده است. هدف این مقاله، شناسایی اصول تربیت عبادی بر اساس قرآن و روایات با روش تحلیلی - استنتاجی است. با بررسی آیات و روایات، نه اصل برای تربیت عبادی شناسایی و

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۵/۱۸؛ تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۶/۹.

این مقاله متخذ از رساله دکتری نویسنده مسئول با عنوان «اصول تربیت عبادی با تأکید بر قرآن و روایات» است.

۳. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم: (mdavoudi@rihu.ac.ir).

۴. دانشیار جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه: (Jazayeri@almustafa.com).

۵. دانشجوی دکتری جامعه المصطفی علیه السلام العالمیه (نویسنده مسئول): (mudabbirhusainrizvi@gmail.com).

توضیح داده شد که عبارت‌اند از: اصل تقویت و ترسیخ ایمان، اصل تقویت محبت خداوند، اصل تقویت روحیه شکرگزاری، اصل تقویت بینش و آگاهی درباره عبادات، اصل تسهیل، اصل توجه به روح عبادت، اصل تدریج، اصل استمرار، و اصل اعتدال. این اصول، راهنمای مربی در فرایند تربیت عبادی است و کیفیت افعال عبادی را برای رسیدن به روح عبودیت بیان می‌کنند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت عبادی، اصول تربیت عبادی، عبودیت، و تربیت در قرآن.

مقدمه

در جوامع انسانی، تربیت بستر خوشبختی و بدبختی است. از دیدگاه اسلام و پیشوایان دینی، تربیت فرزندان حتی از تأمین نیازهای جسمانی او نیز مهم‌تر است. اهمیت تربیت فرزند از دیدگاه اسلام، به اندازه‌ای است که پیش از تولد و حتی پیش از انعقاد نطفه، از زمان انتخاب همسر توصیه‌هایی دارد که ثمره آن، فراهم آمدن زمینه مناسب برای تربیت فرزند است.

از ساحت‌های تربیت، که نقش مهمی در سعادت فرزند دارد، تربیت عبادی است؛ زیرا عبادات بخش مهمی از آموزه‌های دینی را تشکیل می‌دهند. نماز، روزه، حج، خمس، زکات و صدقات، از مهم‌ترین عبادات اسلامی هستند که در قرآن و روایات بر آنها تأکید شده است.

در این نوشتار، مقصود از «تربیت عبادی»، «آموزش عبادات و کیفیت آنها به متربیان و تلاش برای ایجاد روحیه پرستش در متربی است؛ به گونه‌ای که او به انجام مناسب و تکالیف عبادی پایبند گردد» (داودی، ۱۳۸۳، ۲: ۱۱۱).

در آیات و روایات، تربیت عبادی بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه در

آیه ششم سوره تحریم، خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید» (تحریم، آیه ۶).

طبق این آیه والدین، موظف‌اند فرزندان‌شان را از آتش جهنم حفظ کرده، مقدمات دوری آنها را از عذاب و آتش جهنمی فراهم آورند که با انجام محرمات و ترک واجبات فراهم می‌شود. آموزش عبادات و رشد و پرورش روحیه عبادت، بارزترین مصداق وظیفه حفاظتی است که در آیه شریفه به آن اشاره شده است. اگر والدین، فرزندان‌شان را به حال خود واگذارند، به احتمال زیاد نمی‌توانند اعمال عبادی را آموزش ببینند و در نتیجه، به مسیری قدم خواهند گذاشت که به آتش جهنم منتهی می‌شود. بنابراین، آیه وقایه به وضوح وجوب تربیت عبادی فرزندان را اثبات می‌کند.

همچنین می‌فرماید:

﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلْكَ رِزْقًا حَتَّىٰ تَرْزُقَكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ﴾

خانواده خودت را به نماز دستور ده و برادای آن شکبیا باش! از تو روزی طلب نمی‌کنیم (بلکه) ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای تقواست (طه، آیه ۱۳۲).

اگرچه این آیه خطاب به پیامبر اکرم ﷺ است، با تنقیح مناط می‌توان حقیقت و روح این خطاب (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا) را متوجه همه مؤمنین، به‌ویژه والدین و مربیان دانست. بدین ترتیب، قدر متیقن والدین در تربیت عبادی فرزندان‌شان مکلف هستند.

همچنین امام زین‌العابدین (علیه السلام) در رساله حقوق، راهنمایی فرزندان به‌سوی خداوند متعال و اطاعت از او را از حقوق فرزندان بر والدین می‌داند و می‌فرماید:

حَقُّ وَلَدِكَ ... أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيَتْهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ.

حق فرزندان بر تو این است... که تو در مورد آنچه که به سرپرستی‌اش گمارده شده‌ای، مسئول هستی! مسئولیت‌هایی چون نیکو ادب کردن، راهنمایی به سوی حضرت حق، یاری‌رسانی بر اطاعت خداوند (صدوق، ۱۴۱۳، ۲: ۶۲۲).

سند رساله حقوق در جای خود تصحیح شده است. عبارت «و الْمُعُوْنَةُ عَلَى طَاعَتِهِ»، به خوبی این معنا را تبیین می‌کند که والدین، موظف‌اند فرزندان‌شان را برای اطاعت از خداوند یاری کنند و بارزترین مصداق اطاعت خداوند متعال، انجام واجبات عبادی و مناسک دینی است. پس اقدام والدین برای آشنایی فرزندان با عبادات و فرائض دینی و تمرین و انس آنان با عبادات، شامل این تکلیف است.

با توجه به آیات و روایات، می‌توان نتیجه گرفت از مسئولیت‌های والدین در قبال فرزندان، تربیت عبادی آنان است. تربیت عبادی دارای مبانی، اصول و روش‌هایی است که تشکیل‌دهنده سه مؤلفه از مؤلفه‌های اساسی تربیت عبادی هستند. مبانی در لغت، جمع «مبنا» به معنای شالوده، جاهای بنا، بنیاد و اساس، و همچنین به معنای ساختمان و عمارت آمده است (دهخدا، ۱۳۵۲، ۴۰: ۲۱۴) و در اصطلاح، عبارت است از «گزاره‌هایی خبری که یا بدیهی‌اند یا از علوم دیگر وام گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند» (گروه نویسندگان زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۶۳).

اصل در لغت، به معنای بیخ، بنیاد ریشه و بن هر چیزی (معین، ۱۳۸۱، ۱: ۲۹۴). بیان شده و در اصطلاح، به معنای «گزاره‌هایی تجویزی است که از اهداف و مبانی به دست آمده و راهنمای روش‌ها و فعالیت‌ها در تعلیم و تربیت است». (همان: ۲۹۱). به عبارت دیگر، اصل مجموعه قواعد کلی است که از مبانی و اهداف، استخراج و استنباط می‌شود و راهنمای مربیان قرار می‌گیرد.

این مقاله، در صدد است اصول تربیت عبادی را با تکیه بر آیات و روایات کشف و بررسی کند.

پیشینه پژوهش

با جست‌وجو در پایگاه‌های داده‌ها سه تحقیق پیدا شد که تا حدود زیادی با موضوع ما مرتبط هستند.

- کتاب تربیت عبادی کودکان در اسلام با تأکید بر برنامه آموزشی، (شکراللهی، ۱۳۹۶: ۱۹۲ - ۲۹۳). اگرچه در این کتاب به تربیت عبادی کودکان پرداخته شده، موضوع فقط براساس سیره و روایات مورد بررسی قرار گرفته و اصولی که در این کتاب آمده، متفاوت با اصولی است که مقاله پیش رو مورد بررسی قرار داده است.

- پایان‌نامه ارشد با عنوان «تربیت عبادی کودک از منظر روایات»، بحث کوتاهی درباره اصول تربیت عبادی دارد؛ اما در این پایان‌نامه اصول فقط براساس روایات بررسی شده است (میرزا نظر، ۱۳۹۵: ۱۲۶ - ۱۳۲).

- مقاله «تربیت عبادی از منظر قرآن»، نوشته دکتر رضایی اصفهانی. اولاً بحث این مقاله، فقط بر اساس آیات قرآن است و ثانیاً اشاره‌ای به اصول تربیت عبادی نشده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۵۳ - ۸۶).

مقاله پیش‌رو با روش‌شناسی تحلیل - استنتاجی فقهی، اصول را با تفصیل مبتنی بر آیات و روایات مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این، به برخی مبانی آنها هم اشاره‌ای کرده است.

اهمیت و ضرورت عبادات و تربیت عبادی در قرآن و روایات

عبادت در لغت، به معنای «اظهار تذلل» (راغب، ۱۴۱۲: ۵۴۲)، «انقیاد و خضوع» (فیومی، ۱۴۱۴: ۳۸۱)، و «اطاعت» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳: ۲۷۲) آمده است. معادل

فارسی آن، «ستایش یا پرستش نمودن خداوند است» (انواری، ۱۳۸۱: ۴۹۶۳). در اصطلاح فقهی، عبادت دو معنا دارد. معنای عام آن، «انجام اعمال پسندیده به قصد رضای خداوند یا اجرای فرمان اوست» (مشکینی، بی تا: ۳۶۶) و معنای خاص آن، عبارت است از نماز و روزه و خمس و زکات و حج و دعا و قرائت قرآن کریم.

از منابع دریافت اهمیت عبادات، قرآن کریم است. خواندن نماز، گرفتن روزه و انفاق، برخی از اموری است که در قرآن، مکرر به آن توصیه شده است که در ذیل، به بعضی از آیات اشاره می‌کنیم:

قرآن کریم در سوره بقره، بعد از ذکر این نکته مهم که این کتاب مقدس هیچ شکی در آن نیست و مایه هدایت صاحبان تقواست، صفات اصلی متقین را برمی‌شمارد و بیان می‌کند متقین، صفات کلیدی دارند (ایمان به غیب، اقامه نماز، ادای زکات، انفاق، ایمان به قرآن و سایر کتب آسمانی، و در نهایت ایمان به معاد): ﴿الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (بقره، آیه ۳).

به نظر می‌رسد طبق این آیه، بعد از ایمان به غیب، اقامه نماز مهم‌ترین مسئله است که به آن اشاره شده است؛ زیرا بدون نماز، انسان اهل تقوا نمی‌شود و بدون تقوا، عاقبتی خوش، محال است. نماز نه فقط در مکتب اسلام؛ بلکه در همه ادیان از جایگاه ممتازی برخوردار است و آنچه از آیات قرآن به دست می‌آید، این است که نماز بر همه انبیا واجب بوده است؛ چنان که بعد از انتخاب حضرت موسی علیه السلام به نبوت، اولین فرمان خداوند متعال درباره اقامه نماز بوده است: ﴿إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ (طه، آیه ۱۴).

در آیه دیگر، چنین آمده است که ما به ابراهیم و اسحاق و یعقوب، کار خیر و خوبی را وحی کردیم؛ اما بین همه کارهای خیر و خوب، اقامه نماز را متمایز نشان می‌دهد: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أئِمَّةً يَهُدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةَ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (انبیا، آیه ۷۳ - ۷۳).

علاوه بر قرآن کریم، در روایات معصومین علیهم السلام نیز بر اهمیت عبادات در اسلام تأکید شده؛ چنان که در برخی روایات، عبادات چهار رکن از ارکان پنج‌گانه اسلام شمرده شده است. «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَ الصَّوْمِ وَ الْوَلَايَةِ؛ اسلام بر پنج چیز استوار و بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۲۱).

امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند:

فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ، بِقُرْآنٍ قَدْ بَيَّنَّهُ وَ أَحْكَمَهُ، لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ رَبَّهُمْ إِذْ جَهِلُوهُ وَلِيَقْرَؤُوا بِهِ بَعْدَ إِذَا جَحَدُوهُ وَ لِيُثْبِتُوهُ بَعْدَ إِذَا أَنْكَرُوهُ.

پس خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را به راستی برانگیخت تا بندگانش را از پرستش بت‌ها رهایی بخشد و به عبادت و اطاعت خود وادار کند و از پیروی شیطان برهاند و به اطاعت خود کشاند، با قرآنی که معنای آن را آشکار کرد و اساسش را استوار فرمود تا بندگان، بزرگی پروردگار را بدانند که نمی‌دانستند و به آن اقرار کنند پس از آن که بر انکار می‌افزودند، او را نیک بشناسند (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۴۷).

با توجه به روایات مذکور، اهمیت و ضرورت تربیت عبادی روشن می‌شود. از این آیات و روایات، می‌توان مبنای (درهم‌تنیدگی تربیت دینی و تربیت عبادی) را استخراج کرد. طبق این مبنا انسان هنگامی می‌تواند تربیت دینی سعادت‌بخش داشته باشد که تحت تربیت عبادی قرار گرفته باشد. بدین ترتیب، تربیت عبادی می‌تواند قرب الی‌الله و سعادت ابدی انسان را تضمین کند.

بر اساس این مبنا اصولی استخراج شده‌اند که بیان‌گر قواعد کلی رسیدن به مطلوب هستند و کیفیت افعال مربی و متربی را در استفاده از روش‌های تربیت عبادی مشخص می‌کنند.

۱. اصل تقویت و ترسیخ ایمان

از اصول مهم در تربیت عبادی، اصل تقویت و ترسیخ ایمان است. ترسیخ و تقویت آن به آن معناست که ایمان در وجود انسان مستقر و تثبیت شود. گرایش به ماورای طبیعت و ایمان به خداوند، از گرایش‌های فطری انسان است و از درون سرچشمه می‌گیرد. بر اساس روایات، ایمان شرط لازم برای پذیرش عبادات و اعمال صالح است. بنابراین، جایگاه این اصل در تربیت عبادی روشن است؛ زیرا اگر کسی نماز بخواند، روزه بگیرد، حج انجام دهد، ولی ایمان به خداوند نداشته باشد، اعمالش مقبول درگاه الهی واقع نمی‌شود. افزون بر این، ایمان به خداوند و عمل به دستورهای دینی به لحاظ وجودی نیز رابطه متقابل دارند؛ شخص با ایمان، باید تصمیم داشته باشد به لوازم آنچه به آن ایمان آورده است، عمل کند؛ زیرا ایمان با اقرار زبانی پس از شناخت عقلی و پذیرش اسلام آغاز می‌شود و با عمل به آنچه حضرت حق امر کرده است، مؤمن واقعی می‌شود و به باور قلبی دست می‌یابد. کسی که به حقیقتی آگاه است، اما تصمیم دارد به لوازم آن هیچ‌گاه عمل نکند، درواقع ایمان به آن نخواهد داشت و حتی اگر در تردید باشد که به آنها عمل کند یا نه، بازهم هنوز ایمان نیاورده است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾.

گروهی از اعراب (بیابانی به پیامبر اکرم ﷺ) گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو: شما ایمان ندارید، ولی بگویید اسلام آوردیم، و هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است (حجرات، آیه ۱۴).

ایمان واقعی، این است که لوازم آن نیز جامه عمل به تن کند.

در ده‌ها آیه از قرآن کریم، عمل صالح به دنبال ایمان ذکر شده و در چندین آیه، ایمان را به عنوان شرط تأثیر اعمال صالح در سعادت اخروی، مورد تأکید قرار داده است؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ﴾.

هر مرد و زنی که از کارهای شایسته انجام دهد، درحالی که مؤمن باشد، چنین کسانی وارد بهشت خواهند شد (نساء، آیه ۱۲۴).

در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا﴾.

و هر که طالب حیات آخرت باشد و برای آن به قدر لزوم و طاقت بکوشد، البته به شرط ایمان (به خدا) سعی چنین کسانی مقبول و مأجور خواهد بود (اسراء، آیه ۱۹؛ همچنین رک: نحل، آیه ۹۷؛ طه، آیه ۱۱۲؛ انبیاء، آیه ۹۴؛ غافر، آیه ۴۰).

از سوی دیگر، جهنم و عذاب همیشگی را برای کفار مقرر فرموده و اعمال آنان را بی‌ثمر و تباه دانسته و آنها را به خاکستر تشبیه کرده است که باد تند، آن را پراکنده سازد و اثری از آن باقی نماند (رک: ابراهیم، آیه ۱۸).

در جای دیگر چنین می‌فرماید: اعمال کافران را مانند گردی در هوا پراکنده می‌کنیم: ﴿وَقَدْ مَنَّآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا﴾ (فرقان، آیه ۲۳).

بنابراین، ترسیخ ایمان واجب بوده، شرط قبول عبادات است.

البته گفتنی است هر قدر ایمان کامل‌تر و قوی‌تر باشد، تأثیر بیشتری در انجام اعمال مناسب با آن خواهد داشت. بنابراین، ایمان فرد مؤمن را به انجام دستورهای خدا من جمله عبادات دعوت می‌کند و از سوی دیگر، عبادات و عمل به دستورهای الهی، باعث تقویت ایمان می‌شود. این نکته توضیح مبنای درهم‌تنیدگی تربیت دینی و تربیت عبادی است. ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾؛ «سخن (اعتقاد) خوب به سوی خداوند صعود می‌کند و عمل صالح، آن را بالا می‌برد» (فاطر، آیه ۱۰).

در روایت نیز به این مطلب اشاره شده است: «الْإِيمَانُ لَا يَكُونُ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ الْعَمَلُ مِنْهُ وَلَا يَثْبُتُ إِلَّا بِعَمَلٍ؛ یعنی ایمان جز با عمل نباشد و عمل، برخی از ایمان است و

ایمان، جز به وسیله عمل پابرجا نشود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۳۸). پس به هر میزان که ایمان قوی باشد، به همان میزان پایبندی به عبادات هم بیشتر خواهد بود. بر این، از قواعد کلی برای پایبند کردن متربیان به عبادات اسلامی، تقویت ایمان آنهاست.

از این رو، مربی باید از ابتدای تربیت، گام به گام برای تقویت ایمان متربی اقدام کند: ابتدا از طریق افزایش معرفت و سپس از طریق افزایش محبت به خدا و برشماری نعمت هایش.

۲. اصل تقویت محبت خداوند

از اصول مهم در تربیت عبادی، اصل تقویت محبت به خداوند است. تقویت محبت به این معناست که حُب خداوند در وجود انسان مستقر و تثبیت شود. محبت و گرایش به خداوند متعال، در فطرت انسان قرار داده شده است؛ اما گاهی این فطرت تحت تأثیر عوامل بیرونی، از کار می افتد و به انحراف کشیده می شود. از این رو، لازم است این گرایش و محبت فطری ابتدا تصحیح شده، سپس تقویت گردد تا انسان، محبوب ساختگی را جایگزین محبوب حقیقی نکند.

همان گونه که گفته شد، چنان که بین ایمان به خداوند و انجام تکالیف دینی رابطه وجود دارد، بین محبت خداوند و عبادت و اطاعت او نیز رابطه وجود دارد. قرآن کریم می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾؛ «بگوای پیغمبر اگر خدا را دوست می دارید، مرا پیروی کنید تا خداوند شما را دوست دارد» (آل عمران، آیه ۳۱).

جایگاه این اصل در تربیت عبادی، روشن است؛ زیرا کسی که محب واقعی خداوند است، به دستورهای او نیز باید عمل کند و به هر اندازه محبتش بیشتر باشد، اطاعت و عبادتش نیز بیشتر خواهد بود. امر اتباع در این آیه، دلالت بر وجوب دارد؛ زیرا علاوه بر این که صیغه امر دلالت لفظی بر وجوب دارد، عدم اتباع از پیامبر ﷺ مساوی با عدم محبوبیت نزد خداوند است که انسان را جزء مغضوبین الهی قرار می دهد.

یا در جای دیگر می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾؛ «کسانی که ایمان آوردند، شدیدترین محبت آنها فقط برای حضرت رب العالمین است» (بقره، آیه ۱۶۵). نکته‌ای که از این آیه می‌توان استفاده کرد، این است که محبت، فقط علاقه ضعیف و خالی از هرگونه اثر نیست؛ بلکه آثار محبت مانند اطاعت و عبادت خداوند، باید در عمل منعکس شود و محب واقعی، کسی است همواره در راه رسیدن به محبوب می‌کوشد و این تلاش در عمل محب و بلکه در تمام وجود او تجلی می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲: ۵۱۳). همچنین از آیات بعدی سوره بقره (آیه ۱۶۶ و ۱۶۷) چنین استفاده می‌شود که این مذمت و ستایش، از آن روست که لازمه محبت، عمل است و مؤمنین در عمل، مطیع فرمان خداوند هستند و شدت دوستی آنها فقط از راه اطاعت و پیروی خدای متعال به دست می‌آید، نه با ادعای دوستی و محبت (طباطبائی، ۱۳۷۱، ۵: ۴۰۵).

پس از دیگر اصول تربیت عبادی، تقویت محبت به خداوند است. پرورش و تقویت محبت به خداوند، موجب می‌شود متربی با اراده و اختیار خود، به عبادت خداوند پردازد بدون این که نیازی به اجبار و اکراه باشد. افزون بر این، محبت به خداوند، موجب می‌شود متربی در تربیت عبادی رشد کند و از مقام عبادت تجار و بردگان به مقام عبادت محبان برسد. بنابراین، لازم است مربی در تربیت عبادی، محبت و گرایش قلبی به خداوند را تقویت نماید و وقتی محبت خداوند در دل متربی رشد کند، او تمام تکالیف و عبادات اعم از نماز و روزه و غیر آن را با عشق انجام می‌دهد.

۳. اصل تقویت روحیه شکرگزاری

از دیگر اصول مهم تعلیم و تربیت و به‌ویژه در تربیت عبادی، اصل پرورش و رشد روحیه شکرگزاری در برابر خداوند است. شکرگزاری، امری فطری است و جزء واجبات

عقلیه شمرده می‌شود. هر انسان با رجوع به عقل و فطرت خود، درمی‌یابد که در برابر صاحب نعمت باید شکر او را به جا آورد. برای تقویت این روحیه، کافی است انسان چشمان خود را باز کند و نعمت‌های خداوند را که سراسر زندگی وی را مملو ساخته است، ببیند و درباره آنها تفکر کند؛ آن‌گاه از خود خواهد پرسید که کدام دست هنرمندی این همه زیبایی و نعمت‌ها را آفریده و در اختیار مردم قرار داده است؟ آیا چنین موجودی، شایسته تشکر و پرستش نیست؟

جایگاه این اصل در تربیت عبادی، روشن است؛ زیرا به‌خاطر آوردن نعمت‌های پروردگار، زمینه را برای عبادت و بندگی وی فراهم می‌کند. خداوند متعال پس از متذکر شدن اعطای نعمت کوثر به پیامبر ﷺ، او را به انجام عباداتی همچون نماز و قربانی کردن دعوت می‌کند: ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأُخِّرْ﴾؛ «ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم! پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن» (کوثر، آیه ۱-۲). اگر عبادت با یاد نعمت‌های خداوند و به شکرانه آن تحقق یابد، برترین نوع عبادت به شمار می‌آید؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَلَيْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ؛ گروهی از روی شکر و انگیزه سپاس از نعمت‌های بی‌شمار خدای متعال عبادت خود را انجام می‌دهند و این، عبادت آزادمردان است» (عاملی، ۱۴۰۹، ۱: ۶۳).

ازسوی دیگر، از انواع شکرگزاری در برابر خداوند متعال، عبادت اوست. پیامبر گرامی ﷺ آن قدر برای نماز و عبادت می‌ایستاد که پاهای حضرت ورم می‌کرد، آن قدر نماز شب می‌خواند که چهره‌اش زرد می‌شد و آن قدر در حال عبادت گریه می‌کرد که بی‌حال می‌شد. یکی از همسران پیامبر ﷺ پرسید: مگر نه این است که خداوند گناه گذشته و آینده تو را بخشیده است؛ چرا به خود این گونه زحمت می‌دهی؟ حضرت در پاسخ فرمودند: «افلا اکون عبدا شکورا؛ آیا بنده سپاسگزار خدا نباشم» (اردبیلی، بی‌تا: ۱۳۹).

از این روایت و مانند آن، که به حد استفاضه می‌رسند، استفاده می‌شود عبادت، نوعی تشکر از خداوند است. بنابراین، قاعده‌ای کلی در تربیت عبادی، تقویت روحیه سپاس و قدردانی است و مربی، موظف است با یادآوری نعمت‌های فراوانی که خداوند در اختیار متری قرار داده است، حس قدردانی و تشکر را در وی تقویت کند. با تقویت این حس، متری خود به خود به سوی عبادت خداوند متعال کشیده می‌شود.

۴. اصل تقویت بینش و آگاهی درباره عبادات

از دیگر اصول مهم تعلیم و تربیت و به‌ویژه در تربیت عبادی، اصل تقویت بینش و آگاهی درباره عبادات است. عبادت و پرستش، نیاز فطری است و هر انسان با رجوع به عقل و فطرت خود، آن را می‌یابد. لازمه برآورده ساختن این نیاز فطری، این است که ابتدا به عبادات، شناخت و بینش و آگاهی پیدا کند. البته بینش و آگاهی، در صورتی مؤثر است که به‌اندازه باشد. آگاهی به‌اندازه، به رفتار و واکنش درست هدایت می‌کند؛ ولی اگر آگاهی ناقص و نادرست باشد، رفتار نیز نادرست و ناکام‌کننده خواهد بود (داودی، ۱۳۹۲: ۱۱۴ - ۱۱۶). برای تقویت بینش و آگاهی، لازم است اطلاعاتی از عبادات و اهمیت آن در اختیار متری قرار گیرد؛ مانند این که عبادت، هدف خلقت بشر و پاسخی است به نیاز فطری پرستیدن کمال مطلق که با آن، می‌توان به بالاترین درجه کمال دست یافت. به‌خصوص درباره اهمیت نماز، اطلاعاتی در اختیار او قرار بگیرد که در روایت از آن با عمود دین تعبیر شده است و از آیات، استفاده می‌شود که نماز، وسیله ذکر الهی است (ر.ک: طه، آیه ۱۴). نماز، وسیله صبر و استعانت از خداوند است (ر.ک: بقره، آیه ۴۵). نماز، وسیله‌ای است که انسان را از منکرات دور نگه می‌دارد (ر.ک: عنکبوت، آیه ۴۵).

اگر همه اطلاعات و آگاهی‌های درست، درباره عبادات از جمله نماز و روزه و حج و حکمت آن، به متری داده شود، این امر نقش مهمی در روی آوردن وی به عبادات

ایفا می‌کند. بسیاری از نوجوانان و جوانان، حتی افراد مسن که گاه مثلاً به نماز بی‌توجهی می‌کنند، از آن روست که از آن آگاهی درست ندارند. بنابراین، قاعده‌ای کلی در تربیت عبادی، تقویت بینش و آگاهی درباره عبادات است. مربی می‌تواند از طریق بیان اهمیت عبادات، بینش و آگاهی متربی را به عبادات تقویت کند. با تقویت بینش، متربی خودبه‌خود به عبادات علاقه‌مند می‌شود و به انجام دادن آن، خود را متعهد می‌کند.

۵. اصل تسهیل

از مهم‌ترین اصول در تربیت عبادی، اصل تسهیل است. تسهیل، به معنای آسان کردن و سهل گردانیدن است. از آیات و روایات، استفاده می‌شود اسلام و آموزه‌های آن مبتنی بر این اصل است و هیچ امری برخلاف فطرت انسان و به‌صورت تکلیف شاق در آن وجود ندارد؛ بلکه شریعت اسلام، سهل و آسان است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ «خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را» (بقره، آیه ۱۰۵).

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُم فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ «و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد» (حج، آیه ۷۸). خداوند متعال هر نوع حرج و دشواری، خواه حرج در خود احکام دین یا حرج‌های ناشی از عوامل بیرونی را از سر راه دین برداشته است. پس آیه، بیان‌گر این مطلب است که شریعت اسلام، سهل و آسان است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۴: ۵۸۲).

سیره معصومین علیهم‌السلام در تربیت عبادی، این بوده است که آنان در آموزش عبادات، به ظرفیت متربی توجه داشتند، به آنان سخت نمی‌گرفتند و از رعایت بسیاری از آداب و اعمال مستحبی، آنان را معاف می‌داشتند؛ هرچند به بزرگسالان دستور می‌دادند که همان آداب و اعمال را رعایت کنند. برای نمونه، در روایتی صحیح‌السند نقل شده است:

كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع) يَأْمُرُ الصَّبِيَّانَ يَجْمَعُونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ وَيَقُولُ هُوَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَنَامُوا عَنْهَا.

علی بن حسین (ع) به کودکان خود دستور می داد نماز مغرب و عشا را باهم بخوانند و می فرمود: این بهتر از آن است که بخوابند و نماز عشاى آنان قضا شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳: ۴۰۹).

از مجموع آیات و روایات، استحباب تسهیل در تربیت عبادی استفاده می شود؛ البته در صورتی که سختگیری باعث دین زدگی و ترک عبادت و تبعات منفی دیگر شود، از باب عناوین ثانویه، رعایت تسهیل واجب می شود. در برخی روایات از سخت گیری برای انجام دادن عبادات که به ایجاد کراهت از عبادت بیانجامد، نهی شده است. امام صادق (ع) در روایتی صحیح السند فرمودند: «لَا تَكْرِهُوا إِلَى أَنْفُسِكُمُ الْعِبَادَةَ؛ عبادت را با فشار و بی میلی بر خود تحمیل نکنید» (کلینی، ۱۴۲۹، ۳: ۲۲۲). در روایت دیگر نیز چنین آمده است: «عن أبي جعفر (ع) قال: قال رسول الله (ص) وَلَا تَكْرِهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ؛ امام باقر (ع) از رسول اکرم (ص) حدیث نموده است که حضرت فرمودند: عبادت خدا را با کراه و بی رغبتی بر بندگان تحمیل نکنید» (همان).

بنابراین روایات، ایجاد سخت گیری در صورتی که به کراهت و تنفر از عبادت بیانجامد حرام است. برنامه ها، فعالیت ها و اقدامات تربیتی، نباید برای متربی سخت و دشوار باشند؛ زیرا در این صورت، او به جای لذت بردن، ممکن است از انجام عبادات متنفر گردد. مستحب است مسیرهای تربیت عبادی، به گونه ای به روی متربی گشوده شوند که او با شوق و رغبت و نشاط به عبادات بپردازد.

۶. اصل تدریج

از اصول مهم تعلیم و تربیت و به ویژه در تربیت عبادی، اصل تدریج است. تدریج در لغت، به معنای «اندک اندک و آهسته آهسته پیش رفتن آمده است» (معین،

۱۳۸۱، ۱: ۱۰۵۶) و در اصطلاح علوم تربیتی، به معنای مرحله‌ای کردن آموزش متناسب با رشد عقلی و جسمی متربی است. قرآن کریم با در نظر داشتن سطح فکری و درک و فهم افراد و شرایط ویژه هر دوره، احکام اسلام را به تدریج بیان کرد؛ به گونه‌ای که درک، فهم و پذیرش آن برای مسلمانان ممکن باشد. فلسفه نزول تدریجی قرآن کریم بر نبی اکرم ﷺ، تبیین تدریجی قوانین و احکامی مانند ربا و شرب خمر (نحل، آیه ۶۷؛ بقره، آیه ۲۱۹؛ نساء، آیه ۴۳؛ مائده، آیه ۹۰ - ۹۱) نشان‌دهنده اهمیت اصل تدریج است. همچنین بیان سیر رشد انسان (مؤمنون، آیه ۱۴). از مرحله ضعف به مرحله قوت در قرآن کریم نیز بیان‌گر اهمیت اصل تدریج در بحث تربیت و آموزش است.

از روایت هم استفاده می‌شود که تکالیف و وظایف عبادی، باید به صورت تدریجی آموزش داده شود تا متربی بتواند آهسته‌آهسته با تمرین و تکرار آن را فراگیرد. «چون کودک سه ساله شود، هفت بار به او بگو: بخوان «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ». بعد، واگذارش تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز رسد، به او بگویند: هفت بار بگو «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ»، و دیگر تا چهار سالگی او را واگذار، و چون چهار سالش تمام شد، هفت بار بگوید: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و رهایش کنید تا پنج سالگی که به او گفته شود دست راست و چپ کدام است؟ وقتی فهمید، رو به قبله واداشته شود و سجده کند و باز، واگذارش کنید تا شش سالگی. وقتی شش ساله شد، رکوع و سجود آموزد تا هفت ساله شود. در این سن، دستور دهند تا دست و صورت را بشوید، وضو بگیرد، بعد به نمازش وادارند و چون نه ساله گردد، وضو یادش دهند و اگر ترک کرد، تنبیه گردد و به نماز فرمانش دهند و بر ترک آن تنبیهش کنند و چون نماز و وضو فرا گیرد، والدینش آرمزیده شوند ان شاء الله» (طوسی، ۱۴۱۴: ۴۳۴). طبق روایت اخیر، تربیت عبادی باید در چند مرحله صورت بگیرد.

این روایت به سبب ضعف محمد بن سنان در سند روایت، تضعیف می‌شود؛ اما

از آنجا که روایات متعدد دیگری که برخی صحیح السند هستند (ر.ک: کلینی، همان) شباهت مضمونی با برخی از قسمت‌های آن دارند، درمجموع لزوم اصل تدریج در تربیت عبادی کودک، به‌ویژه در نماز، قابل استنباط است. در روایت دیگری که با ضعف سند همراه است، از امام صادق علیه السلام بر توجه به مراتب ایمان در تربیت عبادی تأکید شده است. مثالی که ایشان بیان می‌کنند، سرگذشت فردی تازه‌مسلمان است که به خاطر سخت‌گیری همسایه‌اش در بیان احکام دینی، از دین خارج شد و به مسلک قبلی خود برگشت (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۴۳).

بنابراین، قاعده‌ای کلی در تربیت عبادی، رعایت تدریج است. با توجه به مبنای رشد تدریجی، مربی نباید یکجا و یکباره همه تکالیف عبادی را بر دوش متربی قرار دهد؛ بلکه با توجه به مراحل رشد و مراتب ایمان، باید تکالیف عبادی را مرحله به مرحله به صورت تدریجی برای متربی بیان کند و به صورت تدریجی، انجام آنها را از او بخواهد.

۷. اصل توجه به روح عبادت

از دیگر اصول مهم تعلیم و تربیت، به‌ویژه در تربیت عبادی، توجه به روح و کیفیت عبادت است. آنچه در انجام عبادات اهمیت دارد، توجه به روح عبادت و کیفیت آن است، نه کمیت. به عبارت دیگر، آنچه به عبادت ارزش می‌دهد، آن را بالا می‌برد، ثمربخش و بافضیلت می‌کند و عبودیت و بندگی در پرتو آن ساخته می‌شود، روح عبادت مانند: اخلاص در نیت، خضوع، خشوع و معرفت است. از این رو، انسان همان‌گونه که در فکر انجام عبادات است، باید در صدد بالا بردن کیفیت و چگونگی آن با اخلاص، خضوع و خشوع و معرفت نیز باشد.

کیفیت عمل نسبت به کمیت آن، از اهمیت بیشتری برخوردار است. وجوب اخلاص داشتن در نیت عبادات، تواتر لفظی و معنوی دارد. همچنین بالابودن ارزش

عبادات با توجه به بالابودن معرفت و ایمان نیز مستند به آیات و روایات متعددی است. برای نمونه، در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده است، این موضوع به خوبی آشکار می‌شود: «لَا يَقِلُّ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى وَ كَيْفَ يَقِلُّ مَا يُتَقَبَّلُ؛ عمل همراه با تقوا کم‌ارزش نیست. چگونه ممکن است عملی که مقبول درگاه خدا می‌شود، کم‌ارزش باشد؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۷۵). کاری که همراه با اخلاص و پرهیزکاری انجام شود، هر قدر به ظاهر کم باشد، کم نیست. آموزه‌های دینی اعم از آیات و روایات، همواره بر کیفیت اعمال تأکید دارند و نه صرفاً بر کمیت آنها. شاید معنای «أَحْسَنَ عَمَلًا» (کَهِف، آیه ۳۰) همین باشد؛ زیرا «عمل احسن» در روایات، به کاری تفسیر شده است که با نیت خالص و خوف و خشیت الهی مقرون باشد (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۱۶). توجه به اخلاص نیت، تا جایی اهمیت دارد که در برخی آیات قرآن کریم، عبادت و اخلاص در عمل، کنار هم بیان شده است (زمر، آیه ۲). پس کمیت عبادت فقط ملاک نیست؛ بلکه عبادت خوب و باکیفیت و دارای روح، مورد نظر است. در آیات، اگرچه مسئله توجه به روح عبادت، کیفیت و چگونگی نماز، روزه، حج و... به صراحت بیان نشده است، حکم کلی اخلاص در عمل و سفارش به عمل احسن، به چنین نتیجه‌ای می‌رساند که آنچه مورد توجه خداوند متعال است، عبادت باکیفیت است.

بنابراین، از اصول کلی در تربیت عبادی، توجه به روح، کیفیت و چگونگی عبادت است. مربی باید متربی را به گونه‌ای تربیت کند که او حین عبادت، همان‌طوری که به کمیت عبادت اهتمام می‌ورزد، به کیفیت و روح اعمال عبادی نیز توجه داشته باشد و بداند عبادتی عامل کمال است که با اخلاص، خضوع و خشوع مقرون باشد، نه عبادت کثیر اما فاقد روح و کیفیت.

۸. اصل استمرار و مداومت

یکی دیگر از اصول مهم تعلیم و تربیت، به‌ویژه در تربیت عبادی، اصل استمرار و مداومت است. عملی به‌صورت ملکه در می‌آید که به‌اشکال مختلف، به‌صورت ذهنی و عملی تکرار شود.

رعایت این امر، به‌دلیل غفلت، که خصیصه ذاتی انسان است، در همه امور لازم است؛ به‌ویژه در تربیت عبادی. در تربیت عبادی، نباید توقع داشت که با یک بار و دوبار گفتن، مربی نتیجه مطلوب به‌دست بیاورد؛ بلکه این تربیت باید مداومت و استمرار داشته باشد. خداوند متعال در قرآن کریم چنین سفارش می‌کند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾؛ «خانواده خود را به نماز دستور بده و بر آن شکیبا و اصرار داشته باش» (طه، آیه ۱۳۲). کلمه «اصطبر» در آیه شریفه، به روشنی بر استمرار در تربیت عبادی دلالت دارد.

البته خود عبادات نیز باید مداومت و استمرار داشته باشند؛ زیرا معمولاً با یک بار یا دوبار انجام دادن، نتیجه مورد توجهی حاصل نمی‌شود و این مطلب از آیات زیر به‌خوبی استنباط می‌شود.

خداوند قرآن می‌فرماید: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ﴾. (اعراف، آیه ۲۰۵) یا در جای دیگر در وصف مؤمنان حقیقی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ﴾؛ «آنان که نمازها را پیوسته به‌جا می‌آورند» (معارج، آیه ۲۳). همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾؛ «و آنان که بر نمازهای شان مواظبت می‌کنند» (مؤمنون، آیه ۹). از این آیات می‌توان استمرار و مداومت در عبادات و ذکر خداوند، به‌ویژه نماز را استنباط کرد؛ یعنی مؤمنین بر نماز مداومت و مواظبت دارند و مداومت بر نماز، بیان‌گر این مطلب است که آثار هر عمل، اعم از نماز و غیر آن، با مداومت تکمیل می‌شود (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲۰: ۲۲).

از روایات نیز استفاده می‌شود که انسان بر اعمال خوب مداومت داشته باشد. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت فرمودند: «فَاذَا عَوَدْتَ نَفْسَكَ عَمَلًا فَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً؛ وقتی خودت را به انجام عملی عادت دادی [برای استحکام و استواری آن] باید تا یک سال بر آن مداومت بورزی» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲: ۸۲). همچنین در جای دیگر از ایشان نقل شده است: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدُمْ عَلَيْهِ سَنَةً؛ هرگاه انسان عملی را آغاز کند، سزاوار است یک سال بر آن مداومت نماید» (همان). همچنین در این زمینه امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَ إِنْ قَلَّ؛ محبوب‌ترین عمل در پیشگاه خداوند عزوجل، عملی است که آدمی بر آن مداومت ورزد؛ هرچند اندک باشد» (همان).

از این روایات می‌توان استفاده کرد همان‌گونه که در همه امور خیر و نیکو مداومت مستحب است، در عبادات نیز مستحب است این امر رعایت شود. با توجه به متن روایت که وعده پاداش است، بیشتر از استحباب قابل استفاده نیست؛ مگر این که خود عبادات از عبادات واجبی باشد مانند نماز که در طول زندگی باید انجام داد. بنابراین، از اصول کلی در عبادات و تربیت عبادی، استمرار و مداومت است. مربی باید در آموزش و تمرین تکالیف عبادی در هر دوره سنی، به استمرار و تداوم آن اهتمام ویژه داشته باشد؛ زیرا تداوم و استمرار در آموزش و واداشتن متربیان و کودکان به اعمال عبادی، به‌ویژه در سن هفت تا دوازده - سیزده سالگی، باعث ملکه شدن اعمال عبادی و در نهایت، تقید آنان در سن بالاتر خواهد شد. در این مرحله، چون به تدریج تکالیف آغاز می‌شود، مداومت و محافظت بر عمل و تکلیف نیز باید مورد توجه قرار گیرد و تکالیف باید از حیث کمی، ادامه یابد تا کودک را برای مرحله بعد آماده عمل کند و از حیث کیفی نیز مورد محافظت و مراقبت قرار گیرد تا عبادات به صورت ملکه درآیند.

۹. اصل اعتدال

از اصول مهم در تربیت عبادی، اصل اعتدال است. اعتدال، در برابر افراط و تفریط به کار می‌رود. افراط به معنای زیاده روی کردن در چیزی، و تفریط به معنای کوتاهی در انجام کاری است. هریک از آنها باعث اختلال در بقا، استمرار و سلامت کارها می‌شود (ملکی، ۱۳۸۳: ۱۰۷). از روایات استفاده می‌شود اعتدال و میانه‌روی در امور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که بر رعایت آن بسیار تأکید شده است. برای نمونه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بارها به مسلمانان سفارش می‌فرمودند: «عليك بالقصد في الأمور؛ بر شما باد به میانه‌روی در کارها» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۴۴). امیرالمؤمنین علیه السلام نیز افراط و تفریط را نشانه جهل معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفَرِّطًا» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰). انسان افراط‌گر، شبیه راننده‌ای است که به دلیل عصبانیت عجله، به وسیله نقلیه‌اش فشار وارد می‌کند و آن را معیوب می‌کند. هم خود وی به مقصد مورد نظر نمی‌رسد و چه بسا در بین راه به واسطه سرعت زیاد از جاده منحرف شود و وسیله‌اش را از بین ببرد (داودی، ۱۳۹۲: ۱۰۳).

اسلام، همواره پیروانش را از افراط و تفریط برحذر می‌دارد؛ زیرا افراط در همه امور از جمله عبادت، باعث دلزدگی و روی گردانی می‌شود. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام سفارش می‌کنند: «یا علی، ... عبادت پروردگارت را بر خودت ناخوشایند مکن؛ که افراط‌کار نه پستی [سالم برای مرکبش] باقی می‌گذارد و نه راهی می‌پیماید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲: ۸۷).

با توجه به این که دو طرف اعتدال، یعنی افراط و تفریط در روایات متعددی نهی شده و از صفات جاهلان برشمرده شده‌اند رعایت اعتدال رجحان شرعی دارد. این رجحان، به مناسبت حکم و موضوع، در مواردی که ترک اعتدال به زیان متری باشد، واجب است و در دیگر موارد، مستحب می‌باشد.

بنابراین، از اصول کلی در تربیت عبادی، اعتدال و میانه‌روی است. این اصل می‌تواند درخصوص اصول رعایت تدریج و تسهیل، نقش عام‌تری داشته باشد؛ زیرا این دو اصل، مصادیقی از اصل عام لزوم رعایت تعدیل در تربیت هستند. مربی باید متربی را از افراط در عبادات باز دارد؛ چنان‌که این اصل اقتضا می‌کند که از تفریط و کوتاهی کردن در عبادت نیز باز دارد. علاوه بر این، اصل اعتدال، اقتضا می‌کند که مربی نباید انتظاراتی بیش از اندازه و توان متربی داشته باشد؛ زیرا توقعات بیجا و انتظارات بیش از اندازه، به‌ویژه در سنین کودکی و نوجوانی، باعث خستگی و دلسردی و در نهایت، بی‌رغبتی و بی‌علاقگی متربی به عبادات شده، او را از عبادت دور می‌کند و چه بسا به ترک نماز و روزه و... بینجامد. اگر انتظار، بیش از اندازه و توان متربی باشد، دو پیام منفی دارد: اگر متربی طبق انتظار مربی عمل نماید، از نماز و روزه دلسرد می‌شود و اگر طبق نظر او عمل نکند، باعث ناراحتی مربی و تنش میان آنها می‌شود و این تصور در متربی به وجود می‌آید که درباره تکالیف دینی کوتاهی می‌کند و همین امر باعث می‌شود اعتماد به نفس مربی ضعیف گردد. ازطرفی، مربیان نباید سطح توقعات خود را بسیار پایین آورند؛ زیرا نتیجه آن، سهل‌انگاری و بی‌توجهی متربی به عبادات یا ترک عبادات خواهد بود (داودی، ۱۳۹۲: ۱۰۵). پس نه افراط و نه تفریط؛ بلکه در تربیت عبادی، توجه مربی بر میانه‌روی و اعتدال متمرکز باشد.

نتیجه‌گیری

بنابراین، اولاً انسان در این دنیا در حال سیر به سوی خداست و هدف غایی آن، قرب به خداوند متعال است و راه رسیدن به این هدف نیز عبودیت و عبادت الهی است. به همین سبب، تربیت عبادی از ضروریات است و لازم است راه و روش تربیت عبادی ازجمله اصول آن بر اساس قرآن و روایات بررسی و در اختیار مربیان قرار داده شود.

ثانیاً موفقیت در تربیت عبادی، نیازمند کاربرست اصولی است که در این مقاله بر اساس قرآن و روایات به دست آمد. اصل تقویت و ترسیخ ایمان، اصل تقویت محبت به خداوند، و اصل تقویت روحیه شکرگزاری، اصولی هستند که پایه و اساس تربیت عبادی را در نهاد متربی شکل می‌دهند و او را آماده پذیرش فرایند تربیت عبادی می‌کنند. اصل تقویت بینش و آگاهی درباره عبادات، اصل تسهیل، اصل اعتدال، و اصل تدریج، اصولی هستند که روحیه عبودیت و پایبندی به عبادات را در متربی ایجاد می‌کنند. افزون بر این، اصل تقویت و ترسیخ ایمان، باعث افزایش مراتب ایمان و کیفیت عبادات می‌شود؛ چنان که کاربرست اصل تقویت محبت خداوند، متربی را از مقام عبادت تجّار و بردگان به مقام محبان می‌رساند. به‌کارگیری اصل تسهیل، تدریج و اعتدال نیز زمینه را برای پایبندی متربیان به عبادات فراهم کرده، از افراط و تفریط جلوگیری می‌کند و باعث حفظ شور و نشاط نسبت به عبادات می‌شود.

رعایت برخی از این اصول مانند اصل اعتدال در تربیت عبادی، غالباً رحجان الزامی دارد؛ اما بسیاری از اصول، به‌ذاته مستحب هستند و به کمال تربیت عبادی کمک می‌کنند. در صورتی که ترک هریک از این اصول به زیان اخروی مانند تنفر متربی از عبادت و ترک آن بینجامد، از باب عناوین ثانویه، رعایت آنها واجب است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، *زبدة البیان فی احکام القرآن*، در یک جلد، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران، اول، بی تا.
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دار العلم - الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
۴. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، ۱۳۸۱.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دار الکتاب الإسلامی، ۱۴۱۰ق.
۶. داودی، محمد، *اصول و روش های دعوت فرزندان به نماز*، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.
۷. داودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام*، تربیت دینی، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۸. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.
۹. رضایی اصفهانی، محمد علی، *تربیت عبادی از منظر قرآن*، نشریه قرآن و علم شماره ۱۴، ۱۳۹۳.
۱۰. شکراللهی، مهدی، *تربیت عبادی کودکان در اسلام با تأکید بر برنامه آموزشی*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه، اول، ۱۳۹۶.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لا یحضره الفقیه*، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۲. طباطبائی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، پنجم، ۱۳۷۱ش.

۱۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، *الأمالی (للشیخ الطوسی)*، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴.
۱۴. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، مؤسسه آل البيت علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۵. فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، قم، مؤسسه دارا لهجره، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، (ط - دار الحديث)، قم، دار الحديث للطباعة والنشر، ۱۴۲۹.
۱۷. _____، *الکافی (ط - الإسلامية)*، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷.
۱۸. گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مصباح یزدی، *فلسفه تعلیم و تربیت*، ۱۳۹۴.
۱۹. مشکینی، علی (بی تا)، *مصطلحات الفقه*، بی جا، بی نا، (نرم افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۲).
۲۰. معین، محمد، *فرهنگ معین*، تهران، انتشارات آذنا، ۱۳۸۱.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، دارالکتب الإسلامية، تهران، سی و دوم، ۱۳۷۴.
۲۲. ملکی، حسن، *اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری*، مصباح، شماره ۵۰، ص ۱۰۲ - ۱۲۶، ۱۳۸۳.
۲۳. موسوی همدانی، محمد باقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۲۴. میرزا نظر، میرزام الدین، *تربیت عبادی کودک از منظر روایات*، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۹۵.